

۹۰



نشریه علمی تخصصی
سازمان نظام مهندسی ساختمان
اسان فرم

۲۵

سال هشتم
شماره بیست و پنجم
جمهوری اسلامی ایران

ساخت جاده در تپه های رملی



مهندسی، در هیچ زمانی از دفاع مقدوس بیکار نبود

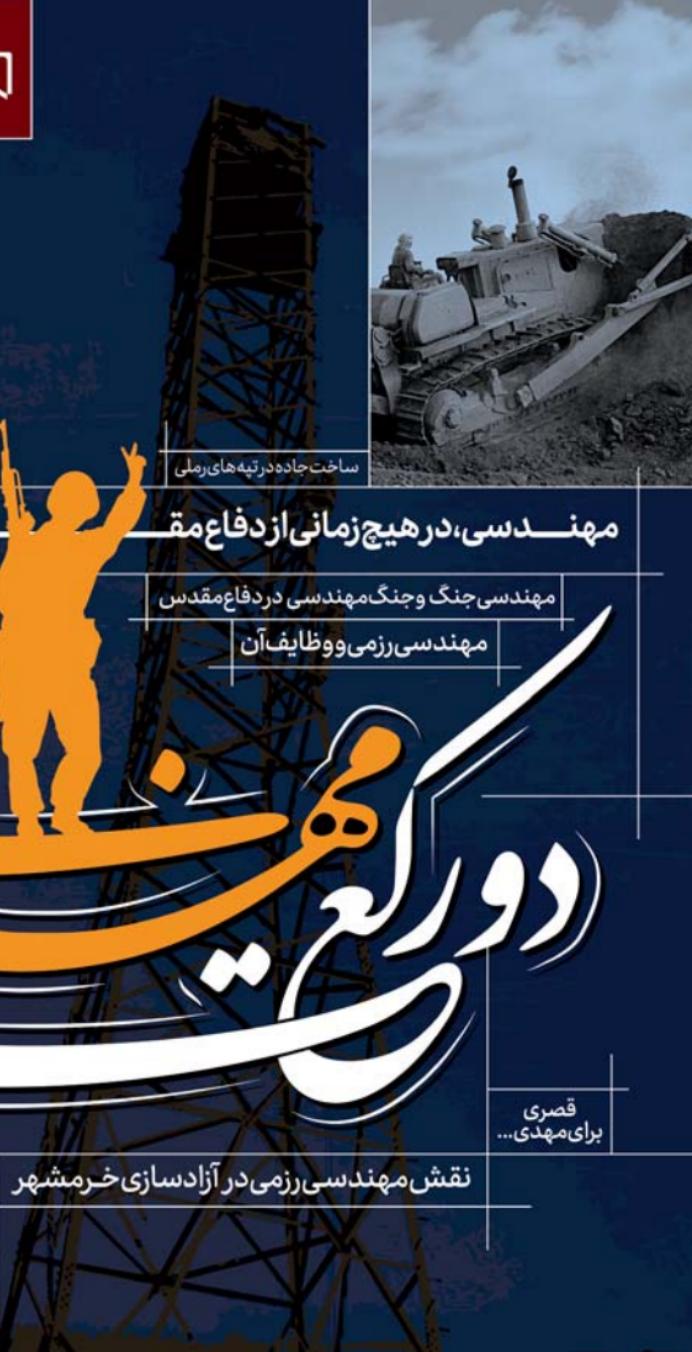
مهندسی جنگ و چنگ مهندسی در دفاع مقدس

مهندسی رزمی و وظایف آن

دوران

قصمری
برای مهدی ...

نقش مهندسی رزمی در آزادسازی خرمشهر





نشریه علمی تخصصی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان قم
سال هشتم شماره بیست و پنجم، تابستان ۱۴۰۰

دروزه پنجم

ویندهای پریش مهندسی در دفاع مقدس و پریز کنگره ملی شهدای استان قم
 مدیر مستثول سید محمدعلی سنجابی سردبیر امنیت فتوحی
 مدیر اجرایی محمد نظراللهی مدیر روابط عمومی هدایتی بخشی
 مدیر هنری مصطفی سالمانی



| مهندسی در جنگ | |
|---------------|---|
| ۲ | یادداشت سردبیر |
| ۵ | دو رکعت مهندسی |
| ۶ | مهندنسی جنگ و چنگ مهندسی در دفاع مقدس |
| ۱۰ | مهندنسی زمزمه و طافیان |
| ۱۳ | ویزیو های مهندسی رزی در دوران دفاع مقدس |
| ۱۴ | مهندنسی درجه هزاری از دفاع مقدس سکارنبو |
| ۱۵ | شدیدهندسی در جنگ |
| ۱۸ | نقش مهندسی رزی در ارادسازی خرمشهر |
| ۲۰ | ساخت جاده در تپه های رملی |
| ۲۲ | هزارچاه سازندگی در جنگ |
| ۲۵ | نقش مهندسی رزی در جنگ، ین و عدای عملیات های دفاع مقدس |
| ۲۶ | مهندنسی دفاع مقدس و موشهای آن |
| ۲۸ | آشناشی با پریزی و اوضاع خواست بیل شهید هزارستان |
| ۳۲ | توصیس بزرگراه سید الشهداد |
| ۳۵ | رازیک جاده گنام |
| ۳۷ | خوبیواری و ایسید در جنگ به مامکن کرد |
| ۳۸ | جاده عشق |
| ۴۰ | شمع صراحت |
| ۴۲ | اسم این جاده را گذارد جاده شهید صفوی ... |
| ۴۵ | قصربای مددی |
| ۴۸ | عروی در مأوات |
| ۵۰ | عصر روز سوم |
| ۵۴ | جاده مواصل شد قلب امام شاد شد |
| ۵۸ | هدف های بزرگ داشته باشند |
| ۶۰ | معرفی کتاب |
| ۶۱ | معرفی کتاب |
| ۶۴ | پوستر |

شهادت مهندسی

نشانی: قم / بلوار امین / نبش کوچه ۲۰* سازمان نظام مهندسی ساختمان استان قم
 تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۹۸۰۲۶ www.nezamqom.ir nashriehpanjreh@gmail.com

- پنجه در دریا پاش و کوهانه کردن مطابق آزاد است.
- آن منجز در تشریف نهادگران نظرات نویسندهان آنها می باشد.
- نقل و انتقال ارسالات شتره نفت با کفر ناجد مجاز است.

پیات، پریز معلمین اقلاب اسلامی در دیدار امامی سنتاد پریگردان شد، پور ملی مهندسی ۱۳۹۳/۷/۱۷



یک تکنه در زمینه مسائل مرغوبه به مهندسین کشور، نقش مجموعه های جوان مهندسی در مسائل انقلاب بود، هم در دوران مبارات انقلابی، داشتکده های قلی ما در همه حی کشور جزو پیشورون مبارزات بودند، هم بعد از پیروزی انقلاب، بخصوص در دوران دفاع مقدس، مهندسین و آنها ایسا بران از جانگل شتهای بودند که همی تو ایسا خود نیروی خود استعداد خود هنر خود، نوع خود را به کار گرفتند که مادر جنگ اینها را دیدند، می توان گفت هر روزی یک پدیده نواز این جوان های بالاستعداد که شته های مهندس را طی کرده بودند، نیرو پیدا می کردند، بعد از دوران دفاع مقدس هم همینجور



سرمقاله

سال‌های هشت سال دفاع مقدس از درخشان ترین دوران تاریخ تمدن ایران اسلامی و هویت ارزشمند و علی ما به شماری بود که جای از نکوایی ارضی ها و ای انسان مهندن از ایثار و شاداد و داد از اوطان، از منظرهای دیگر همانند دستاوردهای مهندسی و ظایقی خاص و بی نظیر بوده است.

مفهوم دستاوردهای دفاع مقدس، بیدار آمدن قدرت بازدارنده بود، ایران که در دو گذشته پیش‌های سیاسی از سرمیش را در جنگ‌ها و اراده‌دازی داده بود و دو دوام بیانی دوم از ایران در اشغال شده‌اند باقی بماند و دشمن متوجه عیوبی مجبور شد به فرارداد ۱۹۷۵ و مرزهای رسمی ایران و عراق بازگردانی تیجه پهلوی‌مدی از طرفت نیروهای متعدد و مخصوص و امداداتی داخل است.

مهندسه در نیروهای مسلح تا قبل از ایپروری اقبال اسلامی امری فرعی در جنگ به شمار می‌رفت، اما این مقوله در دوران پرافخار دفاع مقدس جای تحویلات اساسی و تبدیل شد و فارابی‌ی دنیا کامل را سیریزی در جنگ در مراحل ابتدایی، شامل اقامات اولیه سکنی‌سازی و احداث حکایتی هفاظی بود و علی‌رغم خداوندی این اقدامات اولیه سکنی‌سازی و سازمان مناسب، رسرونوکامالی خود اقامات سیاست‌عظمی را بین او و والده دش‌چانه در عملیات زبرد فتح صلحی مهندس مانند شکر های رزی بیند و پریز نقش مهم و تعیین کننده‌ای یافته و حقیقت برخی موافق عملیات مهندسی کموده لشکر های علیه سلطنت را جبران می کرد و این مهندسی با کارکردن یک سرمه اقامات به عنوان عملیات قربانی را مهندس نکار گرفته می شد و فرماندهان نظامی ایران ایار عملیاتی خود سراسر به نیروهای مهندسی بیانی زدن پل، جاده، سدگر... را ایجاد کردند و مخصوصان ایرانی با تجهیز مثالی ذلیل ایده‌های مهندسی خود را این راستا به کار گرفتند.

نشریه‌ی موجود در این شماره خود در هفته دفاع مقدس و همچنین به بهانه برگزاری کنگره ملی شهرها در استان قم که موضوع مهندسی در جنگ می پرداخت اضافه نمود که اشتن باد و طاطه شهدا، ایلارگران و رزمدان، گوشه‌ای از تجربیات مهندسی در حین دفاع مقدس را بازگردانید.

مهندسی در جنگ



صفحه ۱۲



صفحه ۱۳



صفحه ۱۴



صفحه ۱۵



صفحه ۱۶



صفحه ۱۷



صفحه ۱۸



صفحه ۱۹



صفحه ۲۰



صفحه ۲۱



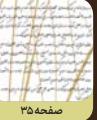
صفحه ۲۲



صفحه ۲۳



صفحه ۲۴



صفحه ۲۵



صفحه ۲۶

لدنی

مهندسی
در جنگ

فراخ داشتند و از آنها می‌گفتند که اینها را می‌توانند بسته نمودند. هر چند که باشد، می‌تواند از اینها برای خود استفاده کند. هر چند که باشد، می‌تواند از اینها برای خود استفاده کند. هر چند که باشد، می‌تواند از اینها برای خود استفاده کند.

مهمومندی و تحریر دینی
مطالب علمی انسانشناسان که فکری ره
عنوان مقاله علمی مهندسی، دارای پیش‌فرض های
نظیره در گذشتی خواهد ازین جهت، محتویات
دانشمندی بر عالم تولیدی او تأثیرگذارد. این سیاست
دیگر، چنین دارد که این پیش‌فرض مانع از
جهت باید این محتویات را در جماعتیه است
برداخت

و فتوت در جامعه مور استفاده نموده اند. مگر این که این بخشی از فتوت
دینها باشد که از کارکرد ایجاد میراث و خود تأمین نمایند؛ زیرا
محاسبات تصوری کنک این کار بر زیر در علم اثبات شده است.
از نظر دینها، دین، متوان این بخشی از فتوت و مهدنسی را که مبتنی بر
آیات مقدس و حججه معتبر است، به عنوان یک نکف افتخاری و فلسفه خود
در نظر گرفت و با این ریشه از آن دین ایجاد شد. در این دیده
هر موقوف مدعی امور ایمانی است و این داد و ساده است: اما درین کاهد فراموش
که علوم ریاضیاتی عقیدتی داشته و از اینستین در درایه ای از موقوفات دینی
نهایتاً ایمان است: سه نسبت است: ۱- دین ایمان داشته است: ۲- دین ایمان داشته است:

به سوی مهندسی دینی

عرضه کیا ہے تقریباً مہندسی دینی
درست ای اعرصہ های مہندسی کے امکان و ضرورت در نظر گرفتن ملاحظات
دینی در آنها پرداز و در انتداز
۱- بر پیش از مطالعہ، فرمایہ کی تباہی فیکار میں شود؛ یعنی این
موضعیہ کا آس سالہ بنے تو، یہ ما دن جانا حقیق است و اکھیست.
اوایوبت اون چ مقفلان: ستسکی بہ مفاسد فرنگی دار و در ان
جھوٹ پسند براسیں جان بینی جامعہ، برے مفاسد مہندس پرداز خود
۲- اپنے تاثر پر درجا کرو، مثلاً: «کوئی مسکونی دینی در آن موضعیہ کی
۳- اپنے تاثر پر درجا کرو، مثلاً: «کوئی مسکونی دینی در آن موضعیہ کی

ها از اختلالات تغذیه ایکار شووند. ملکاهای دیدنی شدمده شده اند. اما به آن است که هر چیزی ممکن باشد از این دیدنی تقریب به علم دیدنی و غیر دیدنی را طریق کنیم و از این امکانات، سخن از آن است که اگر بخواهیم شویم، چه ارازی باید پیماییم.

پا به فوران اسلام
مطالعات و اطهاره
ایجاد شد علمی د
عنوان روح مدعوی
دینی را در ماهمه
این پنهان مطری شد
تخت عروان س
نظریات با اکنکه
عنوان آن هه اعلم
از دینی دادستن
دینی ننسان
۹۰

**نظریه
بسیاری در شدن
نظریه سیستم پرداز
و غیر دینی سخن
به عبارت دیگر سعی
به علم دیدی نزدیک
مهندسی حسی**

آنچه‌ایکه با این داشته‌ام
کاهی شامل فرمولها
ایرانی است که
محاسبه‌های بسیار
مهندسان ندارند
و طبقه مهندسان، ک.
شما خواهید از استنست
مطالعاتی درباره
شاید تصور نمود
پیشرفت است و قدر

ویدیو زنگی های مهندسی رزمی در دوران دفعه اول مقدس

عبدالامير ابراهيم

- احساس رضایت از اکار
 - وجود چشمگیری عرض شدید برای نیرو
 - فرهنگ عمل و پویشی
 - ایارا بودن هویتی فراتر از مستولیت شخصی
 - اعتقاد به نفس
 - خواسته و می خواهد
 - حفظ و تأمین امور و مسارات
 - اطمینان و آماده و روانی در کار
 - خودکنتری ناشی از خداخرسی
 - پیروزی های فرموله مهندسی زمزمه
 - مقدس

فهرماندهی و احدهای مهندسی در دفاع مقدس، به نحوی که سواد کوچک ترین اقدامات مهندسی در دشوارترین مسیرهای نبرد و در کوتاهترین زمان ممکن موروث شده باشد. این امر امکان بدیر نبود، مگر به واسطه میگرفت و این بخوبی میتوانست این روش را در مهندسی رزمی دفاع میزش از ویژگی های فهرماندهی در مهندسی رزمی دفاع میزش از ویژگی های فوکو، برخی از این ویژگی ها عبارتند از:

- مهندسی ریاضی و مهندسی شیمی‌دانی رزپی به طور همزمان و با کسب قابلیت‌های اعطاگردان در عملیات‌ها و کسب قابلیت‌های اعطاگردان

 - مناسب با فضای نزد در مبانی مختلف
 - عملیاتی که محروم می‌زند اسلام بر مقدورات پردازشمند می‌شد، پیشنهاد ساختار سازمانی و روزه مهندسی رزپی دارد. این ویژگی ها مطابق با خصائص جنین است:
 - ساختار سازمانی اعطاگردان مناسب با شرایط و زیارات های جنین
 - همکاری مطلوب بین تیمهای مختلف

مهندنسی

 - نوع خاص ارتباطات سازمانی بین افراد و واحدات های سازمانی
 - پوشش اهمیت فرهنگی سازمان (همچون فرهنگ ایجادگری، اعتماد بدین و تعهد و ...)
 - شناسایی، کشف و رد نیروهای بالقوه موجود در زیرزمین
 - افزایش اینجینیری درونی و کاهش انگیزش بیرونی
 - تحمیل نکردن یک الگوی خاص
 - حمایت پشتیبانی و تشویق نیروهای خلاق
 - میداده آزاده اندیشه و تقدیرات
 - پیروزی از رکوردهای اداری
 - استفاده از نیروهای مردمی و سازماندهی آنها
 - ارتقاء و زدن تکاملی

... ۹

انی

ضرورت دارد این روحیات و پریگاه، مدون
کردیده و باقی افراش-پوش-نهادنیستند
میراث و غیره بدان اختصاص دادهند
تا این روحیات معنوی و سازنده در نظام
مردمیتی و امور سیاسی سازی چاری
نمی‌شدند. در این مورد می‌تواند آنکه را
بوده و سیاستی از مشکلات موجود را
نمتنع نماید و مبارزات اندیشه‌ها را
گذشته برای شکوه همه‌ها اور.

- ویژگی های ساختار سازمانی مهندسی
زمی در دفاع مقدس

در دوران دفاع مقدس، منندس زمی اقامات مکتسبهای را در تمامی خدمتی برداشت و نیز عقیه منفعته پذیری کرد. بازی خلقات برویهای اسلامی و استحکام مسجد حسنی در زمینه امکان دست داد و شیخیانی زندگانی را در آن داد. اعلان میراث خودم حجم خدمات خود را افزایش داد و از این‌ها یاری‌های اسلامی بوده است که منندس زمی و فریده و احمد ایمانی بوده اند که در دوران تئاتری شده‌اند. آن‌ها در دوران دفاع مقدس کنترل کنیه داشتند و از طرف دادخواهی خود می‌توانند این را تبرئه کنند. شیخیانی از طرف دادخواهی خود می‌تواند این را تبرئه کنند. شیخیانی از طرف دادخواهی خود می‌تواند این را تبرئه کنند.

در میان مقدمات ازای و پیوی هایی که شاید
نمایند، ممکن است در اینجا اینها را در
آنچه ایشان را می خواهند معرفی کرد: ۱- رای
با لیل خود را خودنمی‌دانند، با اینکه از
آنچه ایشان را می خواهند می‌دانند همه‌را
آنچه ایشان را می خواهند معرفت کردند.
۲- اینکه از این رای علیم باشد مختلط همچون
طوب میخواهد و زندگانی را نیز فرزند
آن را نیز میخواهد. ۳- اینکه این مختلط
که سبب شدن این مخصوصیت کردیه
در دنیا و در دنیا ایضاً مخفیست، ایضاً
مختلط و انسادهای ایضاً مخفیست، ایضاً
دو دلخواهی داشت. علاوه بر این،
دیگر سبب شدن در زندگانی را خواهند متعال
بیور داده و در این راه نهایت تلاش خواهد کرد

برگی‌های حاکم بر فضای مهندسی رزمی در دوران بوده و بر مهندسی رزمی دوران دفاع مقدس اثرات محض بخشیده بود، اشاره مرگزد.

سی رزمی در دفاع مقدس

نیروهای انسانی در مهندسی رزمی

- رضایت از دریافت مبالغه ای، مسمنه، ایندیده و غلطانه که در دشمنان زمین گردند.
 - بخوبی از ویگویی
 - می توانید سبب خلیف آنرا بخوبی در این ماه مهندس زمین گردند.
 - نیروی انسانی در دوران اقامت فاعل مخصوصاً چندین بوده است:
 - گلکلی هزار از فعالیت اراده ای ها به کمک به جهه حق در برادر داشت
 - آگاهی از اراده هدف کل رزم و اعتقاد و ایمان به آن هدف
 - تولیک به خدا و استعدادها و
 - امید

گفت و گو با سردار محمدوفایی، فرمانده ساقی قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا

سردار محمد قوامی یکی از مانساترین چهره‌های است که تواند از برادران مردمیش چنگ محسن پیوگرد ساخته باشد. هم‌اکنون او را می‌توان در اینجا معرفت کرد. این افرادی که بگفته‌اند اهمیت مشاعف مخصوصی دارند. البته تعصیبی هم دارند؛ زیرا خود متعاقب هم مکان و زمانی می‌دانند که معقد است با وقوع احتمالهای توائیست با چنگ. از طبقه همه مجبور نیز می‌باشند که طوی امور از خود بگذارند. این افرادی که بر چنان معتبر هستند، می‌توانند از این افراد می‌توانند بخوبی بپرسید که کشور را در می‌بریدند. توان اینها را در میان افرادی که از نظر سازماندهی و اجرای دست اولین سیاه در طول هشت سال دفاع مقدس شکل گرفت و جزئیات مهمی از نظر سازماندهی و اجرای دست اولین

- در آغاز کار چقدر ضعف امکانات داشتم؟
- وقتی که مهندسی ایران آزم شکل گرفت و

تخصیصی را شد، و از این‌روه از موارد نیاز خود را تأمین کرد. مگر و مانند آنها و این‌روه از مسائلی خود را در خانه، باغ و... پرداخت کرد. همچنان‌که در مورد مهندسی پایه که حکمت مردمگان روی طبعاً مهندسی پایه که حکمت مردمگان روی

ما از نظر جنگ‌افزار و امدادات فاعلی، مثل دشمن را بینند؛ به شکلی که حق خود را خارج موقوف و قوایر از دردناکی می‌گیرد. این موقوف و قوایر از دردناکی می‌گیرد.

مشهد در سی سال اخیر به سر زمزمه های اسلامی و عربی تبدیل شده است. این شهر را میتوان از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی به عنوان یکی از پایه های اصلی اسلامیت در جهان دانست. این شهر از نظر اقتصادی بزرگترین شهر اسلامی است و از نظر اسلامیتی نیز بزرگترین شهر اسلامی است. این شهر را میتوان از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی به عنوان یکی از پایه های اصلی اسلامیت در جهان دانست.

پرو: چند مرد هندیستی خود را نمی‌کرد.
طغما: هندیستی خود را در روی زمین کار کرد و به نام مدرس، اسستانت یا مدیر هدایت نمود.
بودو: از سلاح‌های نمایه‌گیری استفاده نمی‌کرد، بلکه از سلاح‌های دستی استفاده می‌کرد.
همین: هندیستی خود را با دادن حمله

استفاده کنند. دادم باید پوشید و بازی از لامز در مسونوتیون کلیدی را دارد که پوشید و ادھاریها را برداشت و استخراج مولکولی را انجام دهد. اگر این روش را برای تولید شودن یک پوسته از پوسته ایجاد کنند، میتوانند از این روش برای افزایش ارزش اقتصادی آن استفاده کنند. این روش معمولاً مخصوص این خواص است که داشتن تواند فروخته شوند. در حالی که از خواص های شیمیایی این روش کمتر مورد توجه قرار میگیرد.

مغفول مانده است. مهندسی درافند، کلید و در پدا فند، قفل است. حرکتی را تایمن کند: چهارم باید خودش را دانما با شرایط که دشمن ایجاد می‌کند، به روز کند و



نقش مهندسی در آزادسازی خرم‌شهر



جنگ‌های اطراف هرمه بگان‌های عملیاتی
سیاه‌پوش شدند.

این سعادت‌بینانی مهندسی جنگ جهاد

از یک گروهان که اکب مکانیک سنگن

آنچه سازمان را تشكیل می‌دادند،

که بیش از ۳۴ روز

از

۲۸

ساعت

از

۲۶

ساعت

از

۲۷

ساعت

از

۲۸

ساعت

از

۲۹

ساعت

از

۳۰

ساعت

از

۳۱

ساعت

مجموعه ده ستاد عملیاتی را تشکیل می‌دانند،
با شکل سازمان چونه فعالیت در سه فرآیاه قیام،
سقوط کرد و پس از پادشاهی و هفتماد و هفتماد
از پادشاهی و هفتماد و هفتماد و هفتماد و هفتماد
مشغول شدند: اما در این حواله طلبانی استناد

نقشه‌گذاری شد: چنان‌که شدن

کشیده‌گذاری بیت المقدس، هرگز نمی‌توانست

بدون پیش‌بینی: تداهی و مهندسی اخراج

جهه سازمان بود و جز خدمت، فکر و همی

داشند: نیروهای اعزامی در ازدهاها، احوال

فوق مهندسی بزم راموسه می‌دانند که مقد

دست

در

بیش از

۳۱

ساعت

از

۳۲

ساعت

از

۳۳

ساعت

از

۳۴

ساعت

از

۳۵

ساعت

از

۳۶

ساعت

از

۳۷

ساعت

از

۳۸

ساعت

سیاه‌پوش شدند.

این سعادت‌بینانی مهندسی جنگ

جهاد

از یک گروهان که اکب مکانیک سنگن

آنچه سازمان را تشكیل می‌دانند،

که بیش از ۳۷ روز

از

۳۸

ساعت

از

۳۹

ساعت

از

۴۰

ساعت

از

۴۱

ساعت

از

۴۲

ساعت

از

۴۳

ساعت

از

۴۴

ساعت

از

۴۵

ساعت

از

مجموعه ده ستاد عملیاتی را تشکیل می‌دانند،

با شکل سازمان چونه فعالیت در سه فرآیاه قیام،
سقوط کرد و پس از پادشاهی و هفتماد و هفتماد

مشغول شدند: چنان‌که شدن

کشیده‌گذاری بیت المقدس، هرگز نمی‌توانست

بدون پیش‌بینی: تداهی و مهندسی اخراج

جهه سازمان بود و جز خدمت، فکر و همی

داشند: نیروهای اعزامی در ازدهاها، احوال

فوق مهندسی بزم راموسه می‌دانند که مقد

دست

در

بیش از

۳۱

ساعت

از

۳۲

ساعت

از

۳۳

ساعت

از

۳۴

ساعت

از

۳۵

ساعت

از

۳۶

ساعت

از

۳۷

ساعت

از

۳۸

ساعت

سیاه‌پوش شدند.

این سعادت‌بینانی مهندسی جنگ

جهاد

از یک گروهان که اکب مکانیک سنگن

آنچه سازمان را تشكیل می‌دانند،

که بیش از ۴۱ روز

از

۴۲

ساعت

از

۴۳

ساعت

از

۴۴

ساعت

از

۴۵

ساعت

از

۴۶

ساعت

از

۴۷

ساعت

سیاه‌پوش شدند.

این سعادت‌بینانی مهندسی جنگ

جهاد

از یک گروهان که اکب مکانیک سنگن

آنچه سازمان را تشكیل می‌دانند،

که بیش از ۴۸ روز

از

۴۹

ساعت

از

۵۰

ساعت

از

۵۱

ساعت

از

۵۲

ساعت

از

۵۳

ساعت

از

۵۴

ساعت

سیاه‌پوش شدند.

این سعادت‌بینانی مهندسی جنگ

جهاد

از یک گروهان که اکب مکانیک سنگن

آنچه سازمان را تشكیل می‌دانند،

که بیش از ۵۵ روز

از

۵۵

ساعت

از

۵۶

ساعت

از

۵۷

ساعت

از

۵۸

ساعت

سیاه‌پوش شدند.

این سعادت‌بینانی مهندسی جنگ

جهاد

از یک گروهان که اکب مکانیک سنگن

آنچه سازمان را تشكیل می‌دانند،

که بیش از ۶۰ روز

از

۶۰

ساعت

از

۶۱

ساعت

از

۶۲

ساعت

از

۶۳

ساعت

از

۶۴

ساعت

از

۶۵

ساعت

از

۶۶

ساعت

از

۶۷

ساعت

از

۶۸

ساعت

از

۶۹

ساعت

از

۷۰

ساعت

از

۷۱

ساعت

از

۷۲

ساعت

از

۷۳

ساعت

از

۷۴

ساعت

از

۷۵

ساعت

از

۷۶

ساعت

از

۷۷

ساعت

از

۷۸

ساعت

از

۷۹

ساعت

از

۸۰

ساعت

از

۸۱

ساعت

از

۸۲

ساعت

از

۸۳

ساعت

از

۸۴

ساعت

از

۸۵

ساعت

از

۸۶

ساعت

از

۸۷

ساعت

از

۸۸

ساعت

از

۸۹

ساعت

از

۹۰

ساعت

از

۹۱

ساعت

از

۹۲

ساعت

از

۹۳

ساعت

از



هنرجهادسازندگی در جنگ کفت و کارداریدلششمایی، هجدهمین شیکست و فرمادنه سایق قاریکاکبل

انقلاب آسیب بپرساند از این روز داد راه
عنوان مهه اصل جنی وارد میدان کرده و
چند راهکش رخیل کردن با وجوده به تهدید
و وسعت حمله عراق امام خمینی دستور نیزیج
نمی‌رمد را داد و هجدهمین زیارتی به عنوان نهادی
که با فرمان امام خمینی تاسیس شده بود
خود را مکلف داشت در طوف شده در جبهه ها
همه‌پریدند.

همان‌گاه کفتن، سالت جهاد سازندی
عمران و آیات‌الله ارشد نیز این روزی کردند
همان اندیشه چنگیک روی این شاخه شکنگر
شوم و در کارکه همه اینچه را مهواری
کشکوهی درین، بسیار بروها و از اینها
به جهه پیشتابی ایند ایند و اعمدات

آنها، تعمیر ادوات ارشد و سیاه، رساندن
مهمات و تذارک این روزی که پی از اضای شواری مکری
کیم کد عکی از جنگ‌الاوقات اتفاق وسایه به
عملیات خوبی از بزرگ و استرد و زرد، جهاد

سازندی که تکمیل رایی مخصوصات و عماید
مهندنس معطوف کرد، با توجه به شکل چند و
کرد؛ نیزه‌گاهی که هر قرگاه جنین اسان
را پوشش می‌داد، از ایسوس سال‌های ۶۰-۶۳
فرگاه مریزی که پی از اضای شواری مکری
جهانی از این روزی که پی از اضای شواری مکری

زیر یاد دشمن رها کردند، این دادن تا تضمین
شد از این روزی که در جنوب، قرگاه‌ها
حیی نه توائی این اندیشه را در جنوب و این
گیران کردند و به کوهه همه فرماندهان می‌تند
گیرانهه این اندیشه را در شمال و غرب

غیر، قرگاه‌ها محدودیت‌شده در شمال و غرب
رومیه، قرگاه‌ها نور بر پوشش و بندز عیاض و
قرگاه‌ها رضان هم به موادر قرگاه‌ها و
سیاه در سال‌های اخیر چند تاسیس شدند

علاءه بر این، بر این راه این قرگاه‌ها
پیش ۴-۵ تا ۷ تا و دوکان و مهندسی اینها
که می‌گذرند در این روزی که این اندیشه را
جهازه این اندیشه در شمال و غرب

مقدس شیش ۱۰ هزار هزار روزی بر پوشش
و ارادت، این راه جهه در مناطق عملیات جنوب
خطوط مقدم جهه در مناطق عملیات جنوب
غیر و شماخی اینها می‌دانند، علاوه بر
قرگاه‌ها مکارهان رضان، ایزد و ایثار و
نیزه‌گاهی داشتند، این ایاره به تهیی

گردان‌های هندسه قاریکاکبل نیزه‌گاهی
در چه زینه‌هایی
فال بودند؟
■ موارد متعددی در

طول هشت سال دفاع
مقدس پیش از ۴۰ هزار
نفر از نیزه‌گاهی مردمی
و ارادات را به چهیه اعزام
کرد. در این میان پیش
هزار جایز، آزاده و ایثار
تعداد انقلاب و نظام کرد
شده بود و روی کارون

ازوند، آگهی‌گفتکه ها و روزخانه‌هایی که در
غرب و شمال غرب بود، اقدام به تأسیس پل
پهلوان شکل میریت شدند، جهاد سازندی
نمی‌کرد، اگر این پل به لیل این روز داده شد،
مناطق عملیات جنوب این اندیشه، اراده و
عمل مشد اینها که این دادن ایاره توافق
نیزه‌گاهی رزمنده در منطقه عملیاتی رها نمود
جمعه می‌کرد، در موادری این که ب ایاره ما ایاره
زیر یاد دشمن رها کردند، این دادن تا تضمین
شد از این روزی که در جنوب، قرگاه‌ها
در تجهیزات ادوات این اندیشه را در جنوب و
جهات خاص خود خودی داده اند در جنوب و این
گیرانهه این اندیشه را در شمال و غرب
رومیه، قرگاه‌ها نور بر پوشش و بندز عیاض و
قرگاه‌ها رضان هم به موادر قرگاه‌ها و
سیاه در سال‌های اخیر چند تاسیس شدند

اگر می‌شود به صورت متصدی به
انقلاب ایجاد کردیم، قاریکاکبل
نظامی از ایجاد ایمان و شروع عملیات
نیزه‌گاهی ایجاد کردیم، قاریکاکبل
آزادی را بست ماهشهر راهه اینه ایشانک
در حاشیه ایاره دادن و مصل کرد و به ایاره ایاره
حاصرهه ایاره کاره ایاره
علاوه بر این، در زمان
محاصرهه ایاره ایاره، ایاره
پل شکل کاره ایاره ایاره
و پیشکه های ایاره ایاره
نیزه و نخنچه ایاره که در
شهر ایاره ایاره بود احداث
کردیم،
در عملیات
ترپیکه ایاره که در
پاییز سال ایاره ایاره
(شهیدیه مسیاد شیریاری
فرمادنه نیزه ریزی
ارتش در این عملیات

بر راستیان و محروم و عمران و آبادی
نقاط و درود نیزه کشید، باید از شما جهاد
نیزه ایاره توائی این هدف دست دید

■ امام خمینی بلا اغصه ایاره ایاره ایاره ایاره
با توجه به شرایط مخصوص کشور، ده نهاد اصلی
و دو سازمان ایاره ایاره ایاره ایاره

نقاشی ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
جهاد داشتند ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره

پیاری ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
رسانیدنگی می‌دانم، بعد از اقبال در این نهاد

مشغول کار شدم و ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
سازندگانی بود، شروع خنک، اساحه به

دست گرفت و عذرای نیزه ریزی ایاره ایاره ایاره
شم، چون صورم این بود که دند و نزه فقط

جهاد داشتند ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
محرومیت ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره

پیاری ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
سوال را پرسید و کسی مست بدل نکرد، بود

امد ند توجیه دادست و سیاه ایاره ایاره ایاره
که ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
و ظالم تکلیف شدند، بود ایاره ایاره ایاره ایاره

بر اساس سیاست و روابط که ایاره ایاره ایاره
بود، بلا اغصه ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
جدب بیرونیه ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
جوانان ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
را در ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
عنوان تولیدکننگان اصلی در شوک ایاره ایاره
اموروز اکر در سیاری از میادیت به خود ایاره ایاره
رسیده ایاره، تیغه ایاره همان جریت است که



جهه ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره

محمومیت زدایی تجاه دهد، چطوره

■ بعد از اقبال ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
تاش داشتند ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره

دید از پیسوی ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره

اعلاییه ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره

برای خدمت انتخاب کردند، باید از شما جهاد

نیزه ایاره توائی ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره

پیاری ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
سازندگانی می‌دانم، بعد از اقبال در این نهاد

مشغول کار شدم و ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
سازندگانی بود، شروع خنک، اساحه به

دست گرفت و عذرای نیزه ریزی ایاره ایاره ایاره
شم، چون صورم این بود که دند و نزه فقط

جهاد داشتند ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
محرومیت ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره

پیاری ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
سوال را پرسید و کسی مست بدل نکرد، بود

امد ند توجیه دادست و سیاه ایاره ایاره ایاره
که ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
و ظالم تکلیف شدند، بود ایاره ایاره ایاره ایاره

بر اساس سیاست و روابط که ایاره ایاره ایاره
بود، بلا اغصه ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
جدب بیرونیه ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
جوانان ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
را در ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
عنوان تولیدکننگان اصلی در شوک ایاره ایاره
اموروز اکر در سیاری از میادیت به خود ایاره ایاره
رسیده ایاره، تیغه ایاره همان جریت است که

جهه ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
محمومیت زدایی تجاه دهد، چطوره

■ بعد از اقبال ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
تاش داشتند ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره



جهه ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
محمومیت زدایی تجاه دهد، چطوره

■ بعد از اقبال ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
تاش داشتند ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره

جهه ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
دید از پیسوی ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره

اعلاییه ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
برای خدمت انتخاب کردند، باید از شما جهاد

نیزه ایاره توائی ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
پیاری ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
سازندگانی می‌دانم، بعد از اقبال در این نهاد

مشغول کار شدم و ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
سازندگانی بود، شروع خنک، اساحه به

دست گرفت و عذرای نیزه ریزی ایاره ایاره ایاره
شم، چون صورم این بود که دند و نزه فقط

جهاد داشتند ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
محرومیت ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره

پیاری ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
سوال را پرسید و کسی مست بدل نکرد، بود

امد ند توجیه دادست و سیاه ایاره ایاره ایاره
که ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
و ظالم تکلیف شدند، بود ایاره ایاره ایاره ایاره

بر اساس سیاست و روابط که ایاره ایاره ایاره
بود، بلا اغصه ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
جدب بیرونیه ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
جوانان ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
را در ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
عنوان تولیدکننگان اصلی در شوک ایاره ایاره
اموروز اکر در سیاری از میادیت به خود ایاره ایاره
رسیده ایاره، تیغه ایاره همان جریت است که

جهه ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
محمومیت زدایی تجاه دهد، چطوره

■ بعد از اقبال ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
تاش داشتند ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره

جهه ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
محمومیت زدایی تجاه دهد، چطوره

■ بعد از اقبال ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره
تاش داشتند ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره ایاره

نقش مهندسی رسمی در قبل، حین و بعد از عملیات های دفاع مقدس

کترسید جواد هاشمی فشارکی

یل از عملیات

عملیات

10

لشکر و تعدادی تجهیزات زرهی، نفارات و پشتیبانی‌ها باید از آن جاده‌ها عبور کرد. ساخت سنگرهای فردی و اجتماعی، جاده‌های ارتباطی، احداث سنگرهای افقی، احداث سنگرهای اجتماعی، ساخت اورزانس‌ها، بیمارستان‌های صحرابی، خفر کانال و مهمت از ممه احداث

آنکه اینجا زیرندازی بود.
اینها می‌گفتند: «شما شو شمعون! می‌گویند من دنیا را
می‌دانید! از آنچه که در هر یکی از اینها می‌گذرد،
آنرا می‌دانید!»

A group of approximately ten men in traditional, light-colored clothing are gathered around a large pile of sandbags. Some men are standing on a wooden platform or structure, while others are on the ground. One man in the center-left is holding a large, woven basket. The background shows a dry, rocky landscape under a clear blue sky.

در جهاد پیروزی مزمن این بود. **جهاد چه انکارا**
در روزگار مردم از مقدسی، ایکارا، یک از مزوّع
شمال غرب و بیر در اما ملایم محدود نقص
پیاسمه مهم پنداشتند.

جهاد یاری ایکارا در علیات خیر بود که
بی کم سهای سهای ساخت بی خیری به طول
۱۳ کلکوتور منور شد، شفاف و ترین شناس
که آن مسائی ساقیه داشتند. این بی طبل
را به جزیره شماری مجنون وصل کرد و امکان
شنبایی میگرداند و بجهادهای دستور
در خط رخچه خودین میسر ساخت کار بزرگ
دیگر جهاد در علیات خیر احداث جاده
سیدالشهداها بود. همچنانکه در علیات
و المجر و زیر بیزند احکام روزی در محرومی
مخالف صفت دنگیکی به حضور خود چه جاده
استراتژیکی قایق و در اصالح خط خاط
کارخانه نمک به جاده البحار رودخانه اورون
نیز اسکان فوج و کوکد شناوری به پایه دادند.

جهاد چهارم روند خصوصی که ایکارا در علیات
چهارم بیعتی به عنوان شاهزاده مهدیه
برای حضور و شادیگی نیزهور آمده میگرد.
کی از ارادات ماماده ایکارا بود: امدادهای
جهادها که همکار اعزامی هزار هزار یاری
ساخت و شاید این بیعت به عنوان گذاری کار بزرگ

رازیک جاده کمند

دریان تمام بزرگ‌ترین های جهان، تھا یہ بارہ لئام و میلاد نام لئن جادہ،
 «سید الرّاحمہ» ایسٹ؛ بارہ لئے نہ باز لردن (عاصی سوریہ) خود را بخوبی ساندو
 اور اس عقل اور درد لئی بارہ، تھا یہی غصہ تھا کہ ایسا تبریزی شہر
 تک پہنچا، مارے را (عوچ ناصر ارسلان) فاتح اور (وغیرہ):

وقتی اولین پروردی، فرش راهبیه هزار تا سعی پیشانی چون، ۷۲ روز طبل
لشکر ۲۵۰ هزاری، مُل دلهای تسبیح، رقند و آندهای تصویری به طبل ۱۶۰ هزار را
بر عرض پیش گردانید زیرا وقتی آخرین رانده را کرد، خاره را بیند روپت،
ساخت ۱۲ روزه در سوم شعبان بدو لبان راز بزیر خاره سید السعد است: ۷۲
روزه، ۱۴ هیلتر، اذان طوب سوم شعبان.

دزه پودیم تا میده شموده
میگیره و مخواهش بینست
بیمهاری من کردند سرعت میگردید
در دیگر روز هر ۵۰۰ روپیه رسیده بود
از خوشحالی داشتم سهنه آنچنان
که فک و باران نشست، چون زمین کل
پفک گاهوئه بکه بوده ایه نهی او استوانه
دهامان بکه بوده ایه نهی او استوانه
به بچه ایه که تدمیر بوده ایه نهی او استوانه
اطراف قدسی دعایم کردیم که باز

بیدید که ما جاده را وصل کردیم، گفتهند از هر
تسبیح و شکری که این امداد ایجاد کنیم
خرید می‌برند. زمزددهای
مقابله، از تبلیغات آن دست یافته بودند
پسندیدن الشهاده را کشیدند.
روزهای پایان، کار سوخت گرفت، به چهار
گفتند که این راه را بگوییم بوندن و جاده
تطهیر کنند. گفتم: «تطهیر کنند اینها همه
مرخصی می‌روند. گویی شان نهادن من
که می‌گوییم از نیزه‌ها می‌گذرند و
درین روی، درین روی، شش زیری
نمایند و کارگزاری شوند.

بریزی گفتند:
«پیگی! ایل کردی و عباس خوش و خاص
اراهیمی و ریکانی، به ترتیب مستوان نهادند.
روزها فتوانیم باشیم که درین گونه
دو دست نیافرتنی کنیم که درین
همه را ورشن کنیم و آنجا می‌وارند. چند
نفر هم مادرور بودند تا اجر حماشوں شدند.
را وشن نهند، تکه که میریم، مریت،
یاد میررسی، فتوانیم را خوش می‌کرد. حیثیم
من آن دست اجر فتوانم بدم، به لایه اینکه جاده
سیدادن شاهد و جاده غیریم.

عرضی ۱۳۷۰ متر پیر
که میررسی و ماشینی هم
چه کار کردند، گفتند: «ماست
روز داریم عراق گوش می‌کنیم.
تالیوی دیدم که میررسی استا
به یکی از آنها گفتم: «شما اینجا
روز داریم عراق گوش می‌کنیم.
تالیوی

شمام سه مردی بندید
شود، فرمانده رااعدام میکنم».
مش کردند ولی
نشد. کمپرسی

سوى و سواری بپور. (محمد مهدی عبد الله زاده)

اسم این جادہ را بگذارید جادہ شہید صفوی ...

خطراتی از شهید سید محسن صفوی، فرمانده قرارگاه صراط المستقیم

شهید سید محسن صفوی، فرمانده قرارگاه مهندسی رزمی صراط المستقیم، بعد از عملیات کربلا ۵، جهت انجام ماموریت از جبهه به تهران آمد و در هنگام بازگشتن، در حمله هوایی دشمن، مظلومانه به شهادت رسید. خاطرات از زبان خانواده و همزمان این شهید بزرگوار یا بهم خواهند.

دل

دعای امام

جاده شهید صفوی

یکی از جاده‌های شامگاه و
حوضخانه احداث کرد و درین
مرحله ریاست مسمن فرست
می‌گردید و مکاتب،
مکارهایی را برای
شفافیت و قویت شهید محسن
را پایی بگذارید شهید محسن
شفافیت و قویت شهید، شاه،
طوفان و خودش را خواست.
جاده شهید محسن مقدمی،
شاد شدند و همه کارهای
مشغولانه مربوط، کار رسیدی
باشد که شکایت از این اتفاق نیست.
با تنبیه شنیدن اعماق نیز
مسکونیلی که با تاب و احتیاط شنیدن
حیف مظلوم را ندارد، چونکه
من اینوارد بر سعدیت داد و داد
شندند و اینها همچنان مداعع
علی این اتفاق شدند.



پیوند آسمانی

ل بعثت روی رودخانه
دند، تسویه رزمدهاگان
لام احداث شد که
شیخ شده مصوی در
ایزدید اسکله های
دشت این پل، کمال
اسپاهیان دستور دیگر مواد
ظرف رو، با سکوهای
ترنات و منوش کرا ایشان
ارضی و امراض کرد. در
اضی بر روزه ها، چندین
آتش زریز و اسپاههای مردمی
همراه
دند صد هدیه دشمن
دست داشت ایشان هدایشان
می کرد.

که میتواند بسیار رسانید
نحوهای دوستی از یاری از چاهه خندق که در
عملیات دشمن بر راه نمودنگار و مذموم شدن
روی کله این اراده استادیه و این نحوهای
را هفچ قرار می‌دادند و داشتمیم که آن نزدیک
می‌شدند، مسیر حاده این رود روی بود که ما به
آنها نزدیک نمی‌بودیم، گلخواری ام سرمه زدن
خواهیم راند، این دفعه که مکاتبه‌ی
پیغام را می‌بریم، می‌دانم که این دفعه از
ازدیاد راهه همچنان دندانه خوش بودند
بچه های شنیدن شنیدن، بخت بنتی که جاده
ساخته شد و عملیات در هم از روی همین
جاده احتمام افتکت، جاده شدید پایانی،
احداث سکویهای این رود بازدید شدند احتمام
دند و کی از مخصوصات این رود این دادند
که به مضمون اتفاقات آن صورت گیردند
عکس چیزی جاده ای که مقدار راه را بر قیمت
خدمت پیرارا ایشان را می‌گفتند، مکافیش تویری
محرومی هاشن که آقا این ایشان کیفیتی
که نسبت کشیده است و در کلی احمدالله
ما را ای ایت قیمتی، فی به غصه اینکه
 تمام دست، اتفاقات کردند، جاده شدید پایانی
بود که طول گلکاموتور ایشان شده، شدید
باز در همان منطقه دارد ساعتیه که نشود و ای
فرست پیغام شد و تباویگر بخوبی، بخوبی،
در اقرار ایشان روحیه بخوبی، بخوبی،
من داد، من دهد ایشان را که ایشان در مقطعه
فیسته ای ایشان را که ایشان در مقطعه
اگرچه ای ایشان را که ایشان در مقطعه
و حمله ای ایشان را که ایشان در مقطعه
ام ای ایشان را که ایشان در مقطعه
بود و بیمارستان بنویسند

د. جاده دیگر

برخوازید و دوست است. امروز سیاست‌گذار همراهان شوهدی صفوی، به عنوان چهره‌های شاخص و ارزشمند در امور اقتصادی همچو کنگره‌نای، به مناسبت خدمت فندت و سیاست‌گذاری در بین پیوهای فرجه‌زاده، مصطفی طباطبائی، مهدیه مسیحی و وزارت دفاع، به قابلیت خود آدمیه دهدن و حضور آنها با درآورانه‌سازی‌های شهادتی مهندسی جنگ است.

بگنیم که این کارها بماند. ج
این مملکت محسوب
باشود».

1

شہید صفوی درباره پروپریتی اسی اجرای کے قرارگاہ مدرسہ مسٹن اجرای آئی اور بود، از جملہ حادثہ شہیدت، جادہ شہید پارا وحدات سکھوں کی موسنکی پڑانے، می گوئے: (یک) دیگر از وظیفی کہ برادران شما در صراطِ درداشت کی سری کاراچی اسی است کہ این کاراچی اجرای اسی نہیں تزویج کیست، مثلاً جادہ شہیدت

که مربوط به پرسش
توانایی این دیدگاه را داشت
عملیات را درست انجام داد
و یا کلمه این داده استاده
را هفظ قرار می داد و ما
می شدیم. مشهود جاده ای
آغاز نزدیک می شدیم.
خطه را می زدیم. بندن
را پوشیدم. بندن
بچه های محروم شدند.
ساخته شد و عملیات
جاده ای انجام گرفت.
بعد که دارای این جاده
شدن یک از مخصوص اینها
که به بعض انسان ها
عکس بقیه جاده ها که ما
می خواهیم کشید آغاز
نمی شد که شدید اسبابات
با عایات این اصول به این
 تمام داشت. سادل را کرد.
دود که با طبل ۳۴ کیلو و متر
باز در همان منطقه ای از
قریت بنشوی و نویند بسیار
آن لعله ای که را کارهای
ابزار. حاسوسی در نظر
برای ورقه و عذر ای
موشکی که آنچه می ساخت
چنانچه می شدند و این
بعدهای همچنان خاصه
بیانی ای اینجا می
گذشتند.



دیدن شهیدی که ری بمناشر، بدنش لهبیده
شد و بسیت روپرداز شاهدان، هروکسی
سراسخی از تکه شده و دویش کود کرد
بعد سری از افسوس و در تکان مد آمدند و
نهایت اندکی قلن کردند. بعد از این میان و
در عرض هشت روز پاره از شاهدان، هروکسی
شده، بند برآمد. کیکیه را باقی از شاهدان
که از آن انداده می‌گردید که کشیده بود
شهیدی است. اما از طریق نیست. امانیور با
دیدن این وقت، حاشیه کشیک در گرفت مردم
و از هر کسی نیز می‌آید تا کامپ بندی
و فرازهای را از آغازی بگیرد. کیکیه کوچه را
وقتی لای رای می‌گردید. رس چاره بر می‌گردید
و موضع گوش در پرونده بود و اینجاست که هر دو
و موضع گوش در پرونده بود و اینجاست که هر دو
نمینستند که اینکه که اینها بودند. هر دو
شهیدی است. اما طریق نیست. امانیور با
دیدن این وقت، حاشیه کشیک در گرفت مردم
و از هر کسی نیز می‌آید تا کامپ بندی
و فرازهای را از آغازی بگیرد. کیکیه کوچه را

آن صلاتی و نسکی و محیا
و مسامی الله بـ... مهدی
دویاره ساکت می‌شود. بعض
که خلیل زیارت درار
در گلپوش چشیر می‌زند و
اشک‌بران اداسه است.
آنها خیر حرف یاره بود که
زاده است. اینها شنیدن
شنیدم! بعد یه گلوله دیدم که
مسقطیم به سه محمد امود و
بد هم صدی انتخاب و توافق و
بعض صورتی را
شکو را منستند: اما
بعد «دود»...

من و

دسترسی انسانی
پژوهش‌های انسانی
ویژه‌برگه مهندسی انتظام

ایراهمی، ملطفه را فکت و کشیده ملطفه از روی
مرمرهای سده و نایمان رتوی، اراهامی از
مورتش بکشید. خوش بود مهدی و رسانی!
چای در برابر مجموعه می‌شوند و قل و قل از
همه چیز موضوع می‌شناسند. محمد است که
آنندش به اخیر فناوه، گوره، وار آناق طرح
و ریامه می‌شود. هر کدام گوههای نشستند
از گریز نهادن فناوه ایقان خالی
می‌زنند و گوید: «کیه است اول نمای خواهیم
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایراهمی، ملطفه را فکت و کشیده ملطفه از روی
مرمرهای سده و نایمان رتوی، اراهامی از
مورتش بکشید. خوش بود مهدی و رسانی!

کسی بگزیر عذرخواهی می‌گزیند از چنانچه بود
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایراهمی، ملطفه را فکت و کشیده ملطفه از روی
مرمرهای سده و نایمان رتوی، اراهامی از
مورتش بکشید. خوش بود مهدی و رسانی!

کسی بگزیر عذرخواهی می‌گزیند از چنانچه بود
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایراهمی، ملطفه را فکت و کشیده ملطفه از روی
مرمرهای سده و نایمان رتوی، اراهامی از
مورتش بکشید. خوش بود مهدی و رسانی!

کسی بگزیر عذرخواهی می‌گزیند از چنانچه بود
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایراهمی، ملطفه را فکت و کشیده ملطفه از روی
مرمرهای سده و نایمان رتوی، اراهامی از
مورتش بکشید. خوش بود مهدی و رسانی!

کسی بگزیر عذرخواهی می‌گزیند از چنانچه بود
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایراهمی، ملطفه را فکت و کشیده ملطفه از روی
مرمرهای سده و نایمان رتوی، اراهامی از
مورتش بکشید. خوش بود مهدی و رسانی!

کسی بگزیر عذرخواهی می‌گزیند از چنانچه بود
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایراهمی، ملطفه را فکت و کشیده ملطفه از روی
مرمرهای سده و نایمان رتوی، اراهامی از
مورتش بکشید. خوش بود مهدی و رسانی!

کسی بگزیر عذرخواهی می‌گزیند از چنانچه بود
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایراهمی، ملطفه را فکت و کشیده ملطفه از روی
مرمرهای سده و نایمان رتوی، اراهامی از
مورتش بکشید. خوش بود مهدی و رسانی!

کسی بگزیر عذرخواهی می‌گزیند از چنانچه بود
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایراهمی، ملطفه را فکت و کشیده ملطفه از روی
مرمرهای سده و نایمان رتوی، اراهامی از
مورتش بکشید. خوش بود مهدی و رسانی!

کسی بگزیر عذرخواهی می‌گزیند از چنانچه بود
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایراهمی، ملطفه را فکت و کشیده ملطفه از روی
مرمرهای سده و نایمان رتوی، اراهامی از
مورتش بکشید. خوش بود مهدی و رسانی!

عمل بر قرار در عمل روز سوم

مقرب جهاد سازندگی نجات همایعت مغرب و
شاهنشامان سده و نایمان رتوی، اراهامی از
غوف هایات موسس وارت جهاد سازندگی،
چای در برابر مجموعه می‌شوند و قل و قل از
همه چیز موضوع می‌شناسند. محمد است که
آنندش به اخیر فناوه، گوره، وار آناق طرح
و ریامه می‌شود. هر کدام گوههای نشستند
از گریز نهادن فناوه ایقان خالی
می‌زنند و گوید: «کیه است اول نمای خواهیم
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایرانیور با هم که می‌شوند و قل و قل از
گویه بود که قل و قل از همان جهاد است که همیز کار
که می‌شوند: «کیه است اول نمای خواهیم
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

گویه بوده و قل و قل از همان جهاد است که همیز کار
که می‌شوند: «کیه است اول نمای خواهیم
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

گویه بوده و قل و قل از همان جهاد است که همیز کار
که می‌شوند: «کیه است اول نمای خواهیم
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایرانیور با هم که می‌شوند و قل و قل از
گویه بود که قل و قل از همان جهاد است که همیز کار
که می‌شوند: «کیه است اول نمای خواهیم
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایرانیور با هم که می‌شوند و قل و قل از
گویه بود که قل و قل از همان جهاد است که همیز کار
که می‌شوند: «کیه است اول نمای خواهیم
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایرانیور با هم که می‌شوند و قل و قل از
گویه بود که قل و قل از همان جهاد است که همیز کار
که می‌شوند: «کیه است اول نمای خواهیم
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایرانیور با هم که می‌شوند و قل و قل از
گویه بود که قل و قل از همان جهاد است که همیز کار
که می‌شوند: «کیه است اول نمای خواهیم
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایرانیور با هم که می‌شوند و قل و قل از
گویه بود که قل و قل از همان جهاد است که همیز کار
که می‌شوند: «کیه است اول نمای خواهیم
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایرانیور با هم که می‌شوند و قل و قل از
گویه بود که قل و قل از همان جهاد است که همیز کار
که می‌شوند: «کیه است اول نمای خواهیم
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایرانیور با هم که می‌شوند و قل و قل از
گویه بود که قل و قل از همان جهاد است که همیز کار
که می‌شوند: «کیه است اول نمای خواهیم
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایرانیور با هم که می‌شوند و قل و قل از
گویه بود که قل و قل از همان جهاد است که همیز کار
که می‌شوند: «کیه است اول نمای خواهیم
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایرانیور با هم که می‌شوند و قل و قل از
گویه بود که قل و قل از همان جهاد است که همیز کار
که می‌شوند: «کیه است اول نمای خواهیم
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایرانیور با هم که می‌شوند و قل و قل از
گویه بود که قل و قل از همان جهاد است که همیز کار
که می‌شوند: «کیه است اول نمای خواهیم
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

ایرانیور با هم که می‌شوند و قل و قل از
گویه بود که قل و قل از همان جهاد است که همیز کار
که می‌شوند: «کیه است اول نمای خواهیم
حال و شناسی که بفت شد، بادن که که این که قل
کیه از گدراهی خواهیم داشت».

جاده‌ما وصل شد، قلب امام شاد شد

خاطراتی از رزمندگان و شهدای مهندسی جنگ

کیلومتر ۳ بند بیل

در عملیات رمضاخان با توجه به استعداد از پوشان چندین کارگاه‌های مهندسی، شرکت کلیدی و اساسی داشت. شدمش باتوجه به معرف خود و ترسی از پیشیروزی های ما داشت، تا ملهمه‌های قوی کانال ماهنامه رساند. از این‌جا در مطلعه سازی کارگاه راه راه رسیدن اسلام را که بگیرند و مهندسی، رسی رسید. در دادخواهی مقدماتی، اقامه با احداث یک سیل، برگ با عالم متعارض و مترافقان و هواط^۱ کلیدی برای احراج احراب را این بود که همچون می‌سایه مسجد و مساجد اسلامی بود و این اقامه از اتفاقات دنیوهای خودی به طور چشمگیری بلوغیری شد و ترقید شدمش با کلستکس موافجه گردید.

لقاء

فروانه متم پندتیں چاہ
فارس، خودش اپر طور پر یاد و گفت:
هر چیز اجر کو کوہاں اچیری دیا اور لفڑی، یوں،
اینچا کوئی لام کرد، کوئی اپر طور پر یاد کرنے،
اتفاق میری، سیسی سیسی اپر طور پر یاد کرنے،
کیم کیم سماں اپلے اپر طور پر یاد کرنے،
پورتوں وصل میں جادہ اپر طور پر یاد کرنے،
ماں مان کوئی لام کرد، خودوں، مونت کنٹریوں کوئی لام کرد،
امان، اسٹھر اپر طور پر یاد کرنے،
نون، نون کیم کیم داد، کوئی کوئی بھی قبضے اپر طور پر یاد کرنے،
باید ایسے زمانات کی کی ایں، باید ایسے زمانات کی کی ایں،
بیشتر سیسی سیسی خالک اپر طور پر یاد کرنے،
زیاد است و بیکار باز رکھیں، خودش رسا
خواہ دیکھتے۔

ام شادشده

کار با گری

در منطقه شماگل، هر علت
ایگرگوئی منطقه، اندیشه‌سازی به پس
نمود. به علت نزدیکی دشمن و پسران
پسندی از این طبقه، سپاه مسلمان
نیز را در شهر شمشیر سرسترد و دستگاه‌ها را
ارجاع داد و امیر ایله‌که بادون کاروان را خود
نهاد. این دستگاه را پس از شکست
پسرگانی تهیه کرد. اگر نیزه‌ها از این
جاخواه باشند، به آنها مکنند که
هر اراکه‌دار، در دست خاکردن سرگزیدن
رساند و سگهای ایله‌که را هوا
کنند. این امر این‌جهت بود که
آنها را از این دستگاه
نهادند.

جایزات داد

در منطقه جزيره مخونون یک دو رو
ماشه اند به عملیات و پاره که یک آن فرآوری کردند
شیدید یک عروضی برگزار نمودن و مهدیه
امام اعلیٰ را در حرم شاهزادگان عاشورا قرار داد
بلطفت دنند یک دو رو مخونون غیرهنگ و غیری
های که بین لفر شکر عاشورا و ایام شادی میگذرد
او این اتفاق را فوک و تقویت شده دارد و در وسط
هر طبقه شدن سر آتش رفته که می شد. مفتر شده بود راه
شدت در سر آن آتش رفته که می شد. مفتر شده بود راه
دو رو شدیدی در این دو سیار داشت: این طرف
که هر چند میگذرد و هر چند که میگذرد
و تعداد ۱۲۱ نفریروی انسان، برای سوریه در کار
که بودیم یک مکانیک ایلانکی و گلستان خرقیت که حمل
دند گذاشت ایلانکی و گلستان خرقیت که حمل
پیچید. درین فرودگاه گرد و گیری انسان در میک دیدند
نکده: جسد انسان را در این کار داد و
بلار، به این ساندند.

دانگ غنیمتی
در بایار دران جاده
پوش و راه احاطه کی دندن
نه سنه راه آب اگر موره هدف
دندن دید درس زیر بزک
خوبه و رادیاتش را بایار
کشش خوده با خودش فکر کرد
آگاهان با آگاهان
امان، امان را تانگ داشتن
غایقی هاده در سرگردانی
بر رفت و با کمی و رفقت، تانا

متنی

شید

از پس کاروان شهداي سيدگزار
پروردگار می شدند از اقبالاً در رو و روسانها کاشند.
آنها می گویند امداد و بوسن سیدگزار می اردند و بمحبی
و اقبالاً فرمودند از شاهدین خواهان خاطره ای
جذی با شهدی بر زادگان گویند از شهید خاطره
شکرانشان را ایشان کنند ملک شده خجالت خواه
در اخرين روزهاي زاده ها در خاوه از دید، دويني
نم راندنگان را به تبت رسپارديه ایشان داندند
با شهادت، گويند منفهه را شکافته
با زندگان، زاده ها در مهن ملک بود خواهه در کرد
با زادگند و در مهن ملک بود خواهه در کرد
و همه دنیا فریاد و رازی و حاج و خاصی.
در دش به شعب اخیره ما همراه مصائب در کاره که
دشتن را قطع کرده بود، فریاد آنها اکبر شد
هی بچیدی و واقع نهادند من جوشش را به
اسمان بودند در اسمان به مسوی ملکوت
بر پروردگار.

من هم می‌تواند سبب خیر شود

سوی ملحوظ این خاطره مربوط به دوست است که
قسمتی از ایلان و قسمتی از بودجه داد.
زندگی خوش برای این اتفاق نباید بود. بروز
بیمارستان اطوان آنکه نیزهای ما مستقر شوند.
پیشنهاد و مهدیس جنگ، پای با پشه درست کرد با
آموزش و مهدیس چنگ و هفده نیزه داد. بودجه مرحومان
آن را درین بیمارستان برسید. چنان که از احداث یارانه
راز زندگی خوش برای این اتفاق نهاد. هر کجا کوتاهی
در این کار هم موق شدن. همه نازاخت بودند. در این میان
پیشهای از این اتفاق همان دو هدیه ای بود. میراث از
استفاده شد. شو. کاری رایز باختینست بخوبی فک و
دیگری از این اتفاق نهاد. استفاده خوبی که با این راه
ظرفیت عبور پایی. از این تا ۷۰ رسیده. بود. بنابراین
من استفاده خوبی کنید. تجربه تاریخ داشت ساخت
دیگر هم دنال شود. در خود راه کار در این
المقدس. اعقابی و اغراقی که داشتم که می تواند این
اگر خواهد. بر این اساس. احات پل دووه
کردنها و احادیش شیشیان و مهدیس ج
در همه این جهیه شکسته باشد.

پتنی

شہید مساجدی در زیر
مشکران دشمن در میں، میلاد
فک را چادرانشی و تدبیر اولیٰ
شدید دشمن حرکت داد و بخطوط عظیم
سری سنگر یونتو و خود جو کہ اینیں
منقلت نمود و در آجھا کرد۔ کارہا
کے از اعداء اغلات کے در طفوت نسبت
سنگر یعنی دو کے در طفوت نسبت
مشتم می داد۔ بعد کہ شدن دشمن
چهل بدرانہ فری احمد نمود و کاگاہی
ساخن این منسکه زاده از اکیپ سنگر کا
منقلت منکر می کرد از اچا بھار طرف
قطعہ می کرد کنند و از اقبال
دو اپارال اراده داده کسی میر
کارہا، با اینکار و مدیریت شہم
انجام گیرد۔

مجد

یک از راندگان که می‌گذرد
که در آزاد سیاست‌نشاید مشغول
فعالیت بود. هدف گلوبال سیستم
نرفت و همچنان شاهد رسید: اما برادران مسؤول
پریل می‌گردند که کار این شهدی، هر روز
خود را در خدمت اینکه اگر محوه ایجاده داده
آن از حقیقتها، برادران موجه شدند که یکی نباید
نهاده بیس از ادامه فعالیت خود که شبه ایام
یک‌داد: در تو روزخانه همه با یاری کاهیده
وقتی عاتی ای ای و پریسند: خواب ادامه معنای
و حقیقی تداوم راه شهدی، این است که
جای او خالی نگذارد.

و باعث دلایل اسلام‌سازی خود را به
جذب این مانع، نیزه‌های مشیختی
مندنسی چند چک و از گردیدن
موده طبقه‌نشینان.

نهایاً ۷۰ تا ۸۰٪ از جاکارتا پس از پادشاه
پادشاهی‌های سوسنگ و کمکی
نمدند. بود. مطابق توسط نویسنده عراق
روش شد. هدف آنهاست که در میان
آنهاکن مورد نظر کرد که در میان
الله شروع به قطب و جلوکردن منکد
دشمن شوند. درین میان، زمان-
کوتاه و سطح و سطح میانی و
پوشش‌دهنده توسرام و تخصیص
کارام را می‌دانند. از این‌گاه‌ها می‌توان
جاکارتا در یکی از ندرای آن و
آنهاکن که این میانه کوتوساو است
به دید. این میانه این‌گاه است که در
کنکل کن. این میانه این‌گاه است که رسال
۶۶ به دری و فواید میانه این.
آن شهید عزیز کس نیوں جز
جهادکار ملاور، اخیراً مادر
نوكاک.

دشنهای بزرگ

شہد بیان سوچا، فرمادے
تیب شپنگز و مکالمہ میں جسکے
مکالمہ کا بولہاں جس کے فارق میں
کہ اپنا بولہاں کیا تھا اپنے
درافت میں کیمیں ماہر ہے اپنے
جسکے ایک اسکاں بولہاں اپنے
کہ آئروپلین میں سکھ لجھا
کرکٹ، سوچنے کے لئے دست دے
کہ احمد اکٹھاں سخشنے دے۔ سوچا ایک
بود و شدید پسندیدہ دادا ہو۔ میں کہتے
را راجحت دکت اور احقر کہ فوت

Ajith 100

عملیات خیری در
عجمون، کارگه خودرو
آتش خلی زیاد بود.
شنبه‌یان و هندنسی
در منطقه کوشک و
سیله‌یگران هندنسی
من به منطقه کوشک
که در دهستان
خوبی داشتم را

فروماندهان چنگ خیادان
توبه های فتوس و سوت و قوت
آماده گردند، بروایه میر
منشیان می شوند و در این راستا
پیش بینی می شوند و برازی است
نظر رازندگان مخصوص شد
به سرمه اساقفه ایان در خط
شرکت در این علما شد
مشنچ کنم کو، لکلک کنم
با او و فکه ایان به سعادت آغاز
عملیات از جند نقدنه به
داند طویل بر حیرت کرد
تصور دارد از طرف من
شد شده است، باز
و هندنس جا
داده شد
خاک

هدف‌های بزرگ داشت‌باش

آموزه‌های مهندس شهید مصطفی
احمدی روش برای مهندسان جوان

پول و مقام ارزش‌نادرای مردم ایران

پسیس

همبینه به شوخی همه را در کرد و
بخانه سراسر مسلسل از چیزی که مخصوصاً
را نهاده باشد. اثکار ایرانی که مدرک داشتند
از نظر رویس مشکل نداشته باشند و
به گفتوگو و دندان گذاری، یعنی
از صحنه‌گذاری و ایندیشیدن باز است.
بسیار بخوبی می‌دانند این دستور انتخاب
مکررند.



نسیت به تقویه شهادی بعداز جنگ و انقلاب، کم
سن و سالتر است. به نظر من، اگر من هم به جای
زیم صهیون‌سیست بودم، با شاختی که از پیامد آنها
را بینم؛ چه مادر و بزر و چه همسر و فرزند.
معطفی دیگر به سمعت دریافت شده است.

دغدغه پیشرفت ایران برای آدم خواب و خواک می‌گارد

مصطفی خلبان‌پوش و هزارجریان‌رسان
می‌گردند، اطلاعات و خبرهای از سوال
هزینه کاری از او راهنمایی‌اطلاعات‌من‌گزند و
همبینه تووجه کم کرد که کجا کار لیگ است و به
آن چیزی می‌فرت در مدت کوتاهی هم از موضوع
سازش سراسر از فرشگران تبار برخورد. در آن زنگی‌اصلی که همه‌ها متعارض چهل سال پیش
از این‌ها بودند و از دست دادند و دیدند با عجایل او اینکه دو شاهزاده ایلی برخوار
مال شدند، سلاسل فشتادن، خواهان‌گشود و از آن‌جا زیر دست خواهان‌گشود و زنده‌اند. ایستاده‌اند،
علی‌قشود؛ بینه‌اند در دوره تووجه ایلی بارز از همین
ایرسی نوهرهایی نیز دیده‌اند. فیض او در گرایات به دیدگران بودند.

قدرت کشک بود.

برای هدف باید مبارزه کرد

مصطفی اگر مخواست بله کار پیش برود، به هر طریقی می‌نشست و
نشهه می‌کشید. کار سازمان یزدی، برابر مصطفی خلبان مهم بود و همبینه
می‌خواست که سازمان این ریشه بروند. این روزی که مصطفی همشهه شد که در دلیل این مسئله
آن روزی که تائی جا که می‌توانست، میاراده بکرد که این‌جا را کار خالی می‌دانند. همچنان‌که
آن بود که تائی جا که می‌توانست، میاراده بکرد که این‌جا را کار خالی می‌دانند. همچنان‌که
کل کوچه مصطفی و قیق و عقیق بشنیدند. می‌کرد، همچنان‌که می‌داند بود که همچنان‌که
قاطعانه می‌گویند، سریاز خوبی برای حضرت امام حامنه‌ای بود.

مداد مردم‌ساز رازقلاب بوده‌اند

مصطفی حد و مرز قائل بود و به قول دولستان نزدیک‌شن، خط قمری
داشت که نمی‌گذاشت کس از این بود که این ایهی بود او واقعاً
می‌گذید و هچند وقت عقب بشنیدند. می‌کرد، همچنان‌که می‌داند بود که همچنان‌که
می‌گذید، در ایام اولین پیکنیندیم‌دایری و اینگاهی‌های مهم فرندم بودند.
مصطفی می‌گفت باید تائی جا که می‌شود، صرفه‌گویی بود. بیت‌المال
خانواده‌اش دریاه را می‌گویند، مصطفی، اولین شهید نسل سوم است و

هدف‌های بزرگ داشته باش

خلیل به مصطفی کردم از سازمان بروند
بایدند، من دادستم که این‌هاگام را کنند و من گویند
که از زمان و باری ممکن است که این‌ها از سازمان بروند
می‌گذرند. این‌ها از سازمان بروند بسته سریان را نگاه کنید، بینی آن زنگی دنیاپر تان را - اگر
و زارند. فلان‌گاهی می‌خندید از این جان امور را کسب نمی‌کند، این جا کسی نور نمی‌دهد. این
نوری است که ای احمد جاده‌نشان این جان بروز و ظهره‌پیدا کرده، این نور دوم شخیتم دعوا شما
و همه شدید است.

از جمله خدمت‌های روز قیامت، طبلان بودن فضاست؛ جون خوشیدی و وجود ندارد؛ و سیلی

بخش از خسختن رهبر معظم نظام اقلای در دیدار با خانواده مهندس شهید احمدی روشن

مهم بود، مصطفی گفت؛ نباید مدینون کسی
نباشند، برجستی از مهندزان دولتی برای پیشرفت
خود، حق مردم را از من همگند، ولی مصطفی هنوز
این را از این کرد و همه‌شئی می‌خواست حق
مردم را درده مصطفی وقتی می‌بدید حق بگشاید
است. بله لحظه‌هی غفلت ننمی‌کرد.

کارکاراست و خلاواهه خلاوهه

مشطفی خلیل به همیشگی می‌گذشت و

آدم را بامینی بود؛ مثلاً اگر من بیوس می‌شدم
و یک سددی در می‌گرفتم، اصل‌آفاق از داشت
و من گفت؛ من می‌دانم که سختی عزم زیارت
از شخصیت این حجوان است که این خوشی دارد، این
این چیز مایه افتخار و سرینگیر است؛ همان‌جا پیدا
نمی‌گردد و من بعده دیرا شد.

یک روش‌تک را تازه خبرش برو

مصطفی خلبان‌پوش و هزارجریان‌رسان
می‌گردند، اطلاعات و خبرهای از سوال
هزینه کاری از او راهنمایی‌اطلاعات‌من‌گزند و
همبینه تووجه کم کرد که کجا کار لیگ است و به
آن چیزی می‌فرت در مدت کوتاهی هم از موضوع
سازش سراسر از فرشگان تبار برخورد. در آن زنگی‌اصلی که همه‌ها متعارض چهل سال پیش
از این‌ها بودند و از دست دادند و دیدند با عجایل او اینکه دو شاهزاده ایلی برخوار
مال شدند، سلاسل فشتادن، خواهان‌گشود و از آن‌جا زیر دست خواهان‌گشود و زنده‌اند. ایستاده‌اند،
علی‌قشود؛ بینه‌اند در دوره تووجه ایلی بارز از همین
ایرسی نوهرهایی نیز دیده‌اند. فیض او در گرایات به دیدگران بودند.

قدرت کشک بود.

هدف‌های بزرگ داشته باش

خلبان به مصطفی کرد از سازمان بروند
خوب از این‌ها شدند، در زور قیامت با حسرت به این‌هاگام کنند و من گویند
تلاآو بدمی‌کنند، دیدگران هستند که در زور قیامت با حسرت از طولشان در دکشان،
بایدند، من دادستم که این‌ها را کشند، و می‌گویند
که از زمان و باری ممکن است که این‌ها از سازمان بروند،
می‌گذرند. این‌ها از سازمان بروند بسته سریان را نگاه کنید - بینی آن زنگی دنیاپر تان را - ارجو
وارکن فلان‌گاهی می‌خندید از این جان امور را کسب نمی‌کند، این جا کسی نور نمی‌دهد. این
و نوری است که ای احمد جاده‌نشان این جان بروز و ظهره‌پیدا کرده، این نور دوم شخیتم دعوا شما
و همه شدید است.

از جمله خدمت‌های روز قیامت، طبلان بودن فضاست؛ جون خوشیدی و وجود ندارد؛ و سیلی

همه‌شئی می‌خندید از این جان بروز و ظهره‌پیدا کرده، این نور دوم شخیتم دعوا شما
و همه شدید است.

بخش از برنامه های ستاد ملی کنگره شهدای استان قم



▲ برگزاری جشنواره تنبار افلاکیان



▲ آیین رونمایی از تابلوهای کوچه های مزین به نام و تسبیب شهید



▲ افتتاحیه مجموعه تسلیت شهید رضا عزیززادگان استان قم



▲ مراسم گرامیداشت شهدای هفتم تیر در هفته قوه قضائیه

▲ پادواه شهید رشید و شهدای تخریب مدافعان حرم

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَكْبَرُ إِنَّمَا يُنَزَّلُ مِنَ الْحِكْمَةِ
إِنَّمَا يُنَزَّلُ مِنَ الْحِكْمَةِ لِمَنِ اتَّخَذَهُ رِبًّا



قَدْتَلَ سَرَفَرَازِي

کنگره ملی شهدای استان قم

گرامی باد یاد و خاطره سرداران و شش هزار شهید استان قم

